

کارکرد تفسیری اقتباس‌های قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا^(س)

فتحیه فتاحی‌زاده*

دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

حسین افسردیر**

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۲)

چکیده

برای غنا بخشیدن به یک کلام می‌توان از جملات و عبارات کلامی فراتر از آن استفاده نمود. به این عمل که یکی از محسنات علم بدیع به شمار می‌رود، اقتباس گفته می‌شود. از آنجا که قرآن در بُعد ادبی نیز صاحب اعجاز است، سخنوران و خطیبان در گفته‌های خود به فراخور حال، آیاتی را از قرآن اقتباس کرده‌اند. معصومان^(ع) از جمله حضرت زهرا^(س) نیز در خطبه‌ها، دعاها و سخنان خود به گونه‌ای شایسته و بجا از آیات قرآن اقتباس کرده‌اند. به این اقتباس‌های قرآنی، بیشتر از جنبه ادبی نگاه شده‌است و کارکرد دیگری برای آن ذکر نشده‌است. اما باید گفت این گونه اقتباس‌های قرآنی که در کلام معصومان^(ع) صورت گرفته، یکی از بهترین منابع، برای دست یافتن به تفسیر قرآن است. بیشترین کارکرد این اقتباس‌ها، در توسعه دامنه تفسیر نقلی است؛ چراکه در روش تفسیر روایی، روایاتی که در آن صریحاً به تفسیر قرآن پرداخته شده‌است، جمع‌آوری می‌شود، ولی اگر به اقتباس‌های قرآنی معصومان^(ع) توجه شود، می‌توان به تفسیرهای بیشتری از حضرات معصوم^(ع) دست یافت.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا^(س)، خطبه فدک، اقتباس، تفسیر روایی.

* E-mail: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

** E-mail: h.afsardyr@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از بارزترین موارد تأثیرگذاری قرآن بر جامعه و فرهنگ مسلمانان، تأثیر آن بر ادبیات منظوم و منثور عرب و عجم است. کتاب‌های ادبی پس از اسلام سرشار از آیات قرآنی هستند. این تحول را می‌توان در استعمال واژه‌ها، مثل‌ها، استعاره‌ها و تشبیه‌ها و یا حتی ارزش‌گذاری‌های قرآنی ملاحظه کرد؛ زیرا قرآن از نظر ریخت، ساختار و چگونگی بیان، شاهکاری ادبی به حساب می‌آید و این مسئله تأثیر چشمگیر و ناخودآگاه خود را بر ادیبان و شاعران مسلمان گذاشته‌است و موجب خلاقیت‌ها و آفرینش‌های هنری هدفمند و فوق‌العاده‌ای شده‌است (ر.ک؛ ایازی، ۱۳۸۱: ۴۷). یکی از روش‌هایی که می‌توان آیه یا قسمتی از یک آیه را در یک متن ادبی به کار برد، «اقتباس» است.

پیش از نزول قرآن، اقتباس از دیگر شاعران، عیب و ننگ به حساب می‌آمد و در شمار سرقت ادبی قرار می‌گرفت. اما پس از نزول قرآن، اقتباس از قرآن مایه افتخار شاعر و زینت‌افزایی اثر او می‌شد (ر.ک؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۰). اقتباس از صدر اول اسلام شایع بود و از محسنات علم بدیع به شمار آمده‌است. جدای از شعر در بسیاری از خطبه‌ها و ادعیه، اقتباس‌هایی از قرآن نیز صورت گرفته‌است (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۲۳ق: ۲۳۸). هنگامی که حوزه اسلام گسترش یافت، هیچ سخنور توانمند یا شاعر سخن‌سرای در برابر قرآن توان عرض‌اندام کردن نداشت. در این میان، بالاترین توانایی آراستگان به بلاغت و خوشه‌چینیان خرمن فصاحت این بود که در همه مقاصد سخن، از واژه‌ها و درونمایه‌های این کتاب اقتباس کنند یا در گونه‌های درآمدن به دریای سخنوری و برون‌شدن از آن، واژه‌ها و معانی این کتاب را شاهد بیاورند و به آن‌ها مثال بزنند و از رهگذر این اقتباس، کلام خویش را مزین نمایند (ر.ک؛ ثعالی، ۱۳۸۶: ۳۵).

اهل بیت پیامبر^(ع) نیز در سخنان، خطبه‌ها، دعاها و... کلام خودشان را مزین به آیات قرآن کرده‌است و در موارد بسیاری از آیات قرآن اقتباس کرده‌اند. حضرت زهرا^(س) نیز در خطبه‌های خود از آیات قرآن به فراوانی اقتباس کرده‌است.

یکی از پژوهش‌هایی که پیرامون اقتباس قرآنی در روایات انجام گرفته، مقاله «اقتباس‌های قرآنی در نهج‌البلاغه» از حمید عباس زاده در فصلنامه مطالعات تفسیری (سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹) است. در این مقاله، تنها به نوع به کارگیری الفاظ و مضامین قرآنی در نهج‌البلاغه پرداخته شده است و اشاره‌ای به کارکرد این گونه اقتباس‌ها نشده است.

پیرامون رابطه خطبه فدکیه حضرت زهرا^(س) با قرآن نیز مقاله‌ای از معصومه ریعان با عنوان «خطبه فدکیه تفسیری بر آیات قرآن کریم» در فصلنامه بانوان شیعه (شماره چهار، تابستان ۱۳۸۴) نوشته شده است. در این مقاله نیز علاوه بر اینکه به کارکرد اقتباس‌های قرآنی اشاره‌ای نشده است، به طور صریح به مبحث اقتباس‌های قرآنی خطبه فدک نیز اشاره نشده است و صرفاً آیاتی را که صریحاً در این خطبه استفاده شده، بررسی کرده‌اند. از همین رو، در این نوشتار علاوه بر ذکر گونه‌های اقتباس حضرت زهرا^(س) در دو خطبه‌ای که از ایشان رسیده، به کارکرد این گونه اقتباس‌ها در تفسیر قرآن نیز اشاره می‌شود. در این زمینه، به چند سؤال زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- گونه‌های اقتباس حضرت زهرا^(س) از قرآن کریم در خطبه‌های ایشان کدام است؟
- ۲- بازتاب اقتباس‌های قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا^(س) در فهم و تفسیر قرآن کریم چگونه است؟

۱- مفهوم‌شناسی اقتباس

با فهم دقیق معنای اقتباس می‌توان به میزان و کیفیت اقتباس‌های قرآنی به کار رفته در متون و نوشته‌های عالمان به طور عام و میزان آن در روایات به طور خاص و کیفیت به کارگیری آن در خطبه‌های حضرت زهرا^(س) به طور اخص، پی برد.

اقتباس از ریشه «قَبَس» است. در کتاب‌های لغت آمده است: «القَبَسُ: شعله‌ای از آتش که آن را از آتش بزرگی می‌گیرند» (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۸۶؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۱: ۳۳۸). گفته می‌شود: «قَبَسْتُ مِنْ فُلَانٍ نَارًا أَوْ خَيْرًا وَأَقْبَسْتُ مِنْهُ عِلْمًا وَ أَقْبَسَنِي فُلَانٌ إِذَا أَعْطَاكَ قَبَسًا» (ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۱: ۳۳۹).

ابن فارس می‌نویسد: «قاف و باء و سین در اصل بر صفتی از اوصاف آتش دلالت می‌کند. سپس استعاره آورده شده است و قَبَس به معنای شعله آتش از این معنا است» (ابن فارس، ۱۳۹۹ق.، ج ۵: ۴۸)، «وَأَقْتَبَسْتُ مِنْهُ عِلْمًا» (جوهری، ۱۴۰۷ق.، ج ۳: ۹۶۰)؛ یعنی «از آن بهره بردم». زمخشری می‌گوید: «از باب مجاز گفته می‌شود: قَبَسْتُ عِلْمًا وَ خَيْرًا وَ أُقْبَسْتُ» (زمخشری، ۱۴۱۹ق.، ج ۲: ۴۷). ابن اثیر نیز آن را چنین معنا کرده: «تو علم را فرا گرفتی» (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق.، ج ۴: ۴).

درباره معنای اصطلاحی اقتباس، چنین آمده است: «اقتباس، یعنی در کلام - نثر یا نظم - چیزی از قرآن یا حدیث داخل بشود». مانند این گفته: «یا قوم، اصبروا علی المحرمات، و صابروا علی المفترضات، و راقبوا بالمراقبات، و اتقوا الله فی الخلوات ترفع لکم الدرجات» (جرجانی، ۱۴۰۳ق.، ج ۳۳). در متن اصلی نویسنده، اشاره‌ای نشده است که کدام قسمت از این جملات اقتباس است. شاید بتوان گفت که جمله آخر، اقتباسی از آیه ﴿تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ﴾ (الأنعام / ۸۳) باشد. همچنین، مانند این سخن:

«وَ إِنْ تَبَدَّلْتَ بَنَانَا غَيْرِنَا فَحَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»
(جرجانی، ۱۴۰۳ق.، ج ۳۳).

مصراع آخر اقتباسی از آیه ﴿وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران / ۱۷۳) است.

قید دیگری که در تعریف اصطلاحی اقتباس آمده، این است که نباید تصریح شود که فلان جمله از قرآن یا حدیث است؛ مانند اینکه در میان کلام گفته شود، خداوند چنین فرمود و یا پیامبر(ص) چنین گفت که در این صورت دیگر اقتباس نیست (ر. کف فلقشندی، بی تا، ج ۱: ۲۳۷؛ سیوطی، ۱۴۲۴ق.، ج ۱۰۸ و احمد نکری، ۱۴۲۱ق.، ج ۱: ۱۰۱).

تعریف دیگری از اقتباس که از تعاریف پیشین گسترده‌تری دارد، عبارت است: «متکلم در میان کلامش - شعر یا نثر - سخن دیگری را به لفظش یا به معنایش وارد کند و این اقتباس از قرآن یا اقوال پیامبر(ص) یا از ضرب‌المثل‌ها یا حکمت‌های مشهور یا سخنان بزرگان

بلاغت و شعراست، بدون اینکه اشاره به قائل آن سخن شود» (ر.ک؛ میدانی دمشقی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۵۳۶).

در اقتباس جایز است که در لفظ اقتباس شده تغییراتی مانند «زیادت»، «نقصان»، «تقدیم»، «تأخیر»، «جایگزین کردن اسم ظاهر به جای ضمیر» و... ایجاد کرد. زیادت و ابدال اسم ظاهر به جای ضمیر مانند:

«كَانَ الَّذِي خِفتُ أَنْ يَكُونَ إِنَّا إِلَى اللَّهِ راجِعُونَ»

در این بیت، به جای «إليه»، لفظ «الله» آمده است و مراد، آیه ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ﴾ (البقره/ ۱۵۶) است (ابن حجه حموی، ۲۰۰۴م، ج ۲: ۴۵۶).

- نقصان؛ مانند «فلم يكن إلا كلمح البصر أو أقرب». در اینجا که اقتباسی از آیه ﴿كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ﴾ (النحل / ۷۷) هست، ضمیر «هو» حذف شده است. - تقدیم و تأخیر؛ مانند:

«قال لى إن رقیبى سىء الخلق فداره
قلت دعنى وجهك الجنة حفت بالمكاره»

مصراع آخر از حدیث «حفت الجنة بالمكاره» اقتباس شده است (ابن حجه حموی، ۲۰۰۴م، ج ۲: ۴۵۷).

این تعریف، کامل ترین و بهترین تعریف از اقتباس است که در این نوشتار، بر پایه آن، اقتباس های قرآنی در خطبه های حضرت زهرا^(س) بررسی می شود.

۲- اقسام اقتباس

سه گونه تقسیم بندی برای اقتباس ذکر شده است که در ادامه به گونه های تقسیم بندی و مبانی آن اشاره می شود.^۱

۱-۲) اساس گونه اول اقتباس، تغییر یا عدم تغییری است که در معنای عبارات اقتباس شده انجام می‌شود. بر این اساس، خود به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف) آنچه اقتباس شده است، از معنای اصلی خود تغییر داده نشود؛ مانند: «یا قوم اصبروا علی المحرمات، و صابروا علی المفترضات، و راقبوا بالمراقبات، واتقوا الله فی الخلووات ترفع لکم الدرجات» (احمد نکری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۱۰۱).

در متن اصلی نویسنده، اشاره‌ای نشده است که کدام قسمت از این جملات اقتباس است. شاید بتوان گفت که جمله آخر، اقتباسی از آیه ﴿تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّسَاءٍ﴾ (الأنعام / ۸۳) باشد.

ب) آنچه اقتباس شده، از معنای اصلی خود تغییر یافته باشد؛ مانند این سخن:

لَئِن أَخْطَأْتُ فِي مَدْحِكَ مَا أَخْطَأْتُ فِي مَنَعِي
لَقَدْ أَنْزَلْتَ حَاجَاتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ

قسمت آخر مصراع دوم، از گفته حضرت ابراهیم^(ع) در قرآن ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ﴾ (ابراهیم / ۳۷) اقتباس شده که در آیه به معنای سرزمینی آمده است که آب و گیاه ندارد، ولی در شعر به معنای شخصی منتقل شده که خیر و نفعی در او نیست (ر.ک؛ احمد نکری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۱۰۱-۱۰۲) [معنای بیت چنین است: اگر در مدح تو خطا کردم، در اینکه خیری از تو به من نمی‌رسد، خطا نکرده‌ام؛ زیرا حاجت خود را نزد فردی آورده‌ام که خیر و نفعی ندارد].

۲-۲) اساس گونه دوم اقتباس، منظور و هدف استفاده از الفاظ اقتباس شده می‌باشد؛ خواه معنا تغییر کرده باشد، خواه نه، و ناظر به قرآن است، نه سایر متون ادبی که شامل سه قسم است:

الف) اقتباس مقبول: آنچه در خطبه‌ها، مواعظ و عهدنامه‌ها و مدح پیامبر^(ص) و مانند آن است.

ب) اقتباس مباح: آنچه در غزل، نامه‌ها و قصه‌ها باشد.

ج) **اقتباس مردود**: این خود دو قسم است. اول آنچه خداوند آن را به خود نسبت داده است، ولی فرد اقتباس کننده آن را به خویش نسبت دهد؛ مانند سخن یکی از بنی مروان، زمانی که شکایت یکی از کارگزارانش را مطالعه می کرد. وی گفت: ﴿إِنَّ إِيَّانَا يَا بَعْهَمُ، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ (الغاشیه/۲۵-۲۶).

دوم آن است که آیه قرآن در معنای هزل (شوخی و مسخره گویی) آورده شود؛ مانند:

«أَوْحَىٰ إِلَىٰ عِشَاقِهِ طَرْفَهُ
وَرَدْفَهُ يَنْطِقُ مِنْ خَلْفِهِ
هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ
لَمَثَلٍ ذَا فُلَيْعَمَلِ الْعَامِلُونَ»
(ابن حجره حموی، ۲۰۰۴ م، ج ۲: ۴۴۵).

سیوطی این گونه دوم از اقتباس را نیکو دانسته، آن را پذیرفته است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۳۶۷).

۲-۳) اساس گونه سوم اقتباس، میزان تغییر در الفاظ و ترکیب جملات اقتباس شده است؛ خواه با این تغییر الفاظ، معنا هم تغییر کرده باشد، یا اینکه معنا تغییر نکرده باشد که بر این اساس به پنج گونه زیر تقسیم می شود:

الف) **اقتباس کامل**: در این نوع اقتباس، الفاظ قرآن بدون تغییر و عیناً آورده می شود (ر.ک؛ عباس زاده، ۱۳۸۹: ۵).

ب) **اقتباس جزئی**: در این نوع اقتباس، قسمتی از الفاظ و ترکیب های قرآن آورده می شود و از پرسامدترین نوع اقتباس در آثار ادبی است (ر.ک؛ همان: ۶).

ج) **اقتباس متغیر**: در این نوع اقتباس، عبارت های قرآنی در ساخت صرفی و نحوی جدیدی ریخته می شوند (ر.ک؛ همان: ۸۷).

د) **اقتباس اشاره ای**: در این نوع اقتباس، به اشخاص یا داستان های قرآنی اشاره می شود (ر.ک؛ همان: ۱۱). این نوع اقتباس شبیه به تلمیح است.

هـ) **اقتباس استنباطی**: در این نوع اقتباس، معنا و مضمون یک آیه در قالب الفاظ جدید بیان می‌شود (ر.ک؛ همان: ۱۴).

۳- اقتباس‌های حضرت زهرا^(س) از قرآن

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، در دو خطبه حضرت زهرا^(س)، ۶۳ بار به آیاتی از قرآن اشاره شده‌است. از این تعداد، هفت مورد آن را نمی‌توان به عنوان اقتباس در نظر گرفت؛ چراکه در تعریف اصطلاحی اقتباس بیان شد که در اقتباس، شرط است که به منبع و گوینده کلام اقتباس شده اشاره نشود. از این رو، این هفت مورد که در آن صریحاً بیان شده که در قرآن چنین آمده‌است و خداوند فرموده، نمی‌تواند به عنوان اقتباس در نظر گرفته شود. این هفت مورد عبارتند از:

حضرت زهراء^(س) اواسط خطبه فدکیه، خطاب به خلیفه اول می‌فرماید: «آیا در کتاب الله، تو از پدرت ارث می‌بری و من از پدرم ارث نمی‌برم؟! واقعاً که چیز تازه‌ای آوردی! آیا به عمد کتاب خدا را رها کردید و آن را پشت گوش انداختید؟!» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۰۲). بعد از این موارد، حضرت زهراء^(س) برای اثبات اینکه پیامبران نیز ارث می‌گذارند و فرزندانشان از آن‌ها ارث می‌برند، به آیاتی از قرآن استناد می‌کند و می‌فرماید: «إِذْ يَقُولُ ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾ (النمل/۱۶) وَقَالَ فِيمَا أَقْتَصَّ مِنْ خَيْرِ يَحْيَىٰ بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ ﴿فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ﴾ (مریم/۵-۶) وَقَالَ ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ (الأنفال/۷۵) وَقَالَ ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ﴾ (النساء/۱۱) وَقَالَ ﴿إِنْ تَوَكَّأْ خَيْرًا لَوْصِيَّةٌ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (البقره/۱۸۰) وَرَعَمْتُمْ أَنْ لَأَ حُطُوةٌ لِي وَلَا أَرِثُ مِنْ أَبِي وَلَا رَحِمٌ بَيْنَنَا» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۰۲).

همچنین، حضرت زهراء^(س) اواخر خطبه فدک بعد از اینکه خلیفه اول پاسخی به حضرت زهراء^(س) دادند که از پیامبر^(ص) نقل شده بود مبنی بر اینکه ما پیامبران ارث نمی‌گذاریم، در جواب خلیفه اول، حضرت^(س) باز به آیاتی از قرآن اشاره می‌فرماید (ر.ک؛ همان: ۱۰۳-۱۰۶) و

می فرماید: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصَلًّا يَقُولُ ﴿تَرْتُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلٍ يَعْتُوبُ﴾ (مریم/۶) وَ يَقُولُ ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾ (النمل/۱۶)» (همان: ۱۰۶).

جدای از این هفت مورد، در خطبه‌های حضرت زهرا^(س) در ۵۶ مورد، اقتباس از آیات قرآن صورت گرفته است. در زیر به تعداد و گونه‌های اقتباس‌های حضرت زهرا^(س) اشاره می‌شود و از هر یک چند نمونه ذکر می‌شود.

۳-۱) اقتباس همراه با عدم تغییر عبارت اقتباس شده

در ۲۸ مورد از اقتباس‌های قرآنی در خطبه‌های حضرت زهرا^(س) قسمت اقتباس شده بدون تغییر آورده شده است. در ادامه به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

حضرت زهرا^(س) در خطبه فدکیه، خطاب به جمعیت حاضر در مسجد می‌فرماید: «وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، ابْتِدَارًا رَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ ﴿الْأَفِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ (التوبه/۴۹)» (همان: ۱۰۱)؛ یعنی «پیامبر^(ص) دفن نشده بود که شما شتابان گمان کردید که بیم فتنه است. آگاه باشید که در فتنه فرو افتاده‌اید و همانا جهنم کافران را در بر می‌گیرد».

در مورد دیگر، حضرت زهرا^(س) در خطبه فدکیه، خطاب به جمعیت حاضر در مسجد می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَأِ إِرْثَ لَنَا ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْعُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (المائدة/۵۰) أَلَا تَعْلَمُونَ؟» (همان: ۱۰۲). در اینجا، حضرت زهرا^(س) عمل خلیفه اول را عملی جاهلی می‌داند؛ چرا که در جاهلیت، دختران از ارث محروم بودند.

در مورد دیگر، حضرت زهرا^(س) در خطبه‌ای که در جمع زنان عیادت کننده از ایشان در زمان بیماری ایراد فرمودند، در وصف حضرت علی^(ع) مطالبی یاد کرده‌اند که در قسمتی از آن فرموده‌اند: «... وَ نَصَحَ لَهُمْ سِرًّا وَ إِعْلَانًا وَ لَمْ يَكُنْ يَتَحَلَّى مِنَ الدُّنْيَا بَطَائِلَ وَ لَأِ يَحْطَى مِنْهَا بِنَائِلَ غَيْرَ رَى النَّاهِلِ وَ شُبْعَةَ الْكَافِلِ وَ لَبَانَ لَهُمُ الزَّاهِدُ مِنَ الرَّأْغِبِ وَ الصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (الأعراف/۹۶) ﴿وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سِنَاءٌ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ

بِمُعْزِرِينَ... ﴿الزمر/۵۱﴾ (همان: ۱۰۹)؛ یعنی علی^(ع) در نهان و آشکار خیر خواه آن‌ها بود. هرگز خود را غرق در ثروت دنیایی نمی‌کرد و از ثروت دنیا جز به مقدار نیاز بهره نمی‌برد. به مقدار آبی که تشنگی را فرو نشانند و خوراکی که گرسنگی را برطرف نماید. (در این هنگام)، فرد پارسا از فرد تشنه دنیا و فرد راستگو از دروغگو برای آن‌ها نمایان می‌گشت «و اگر مردم، مؤمن و متقی می‌شدند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم، ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند. بنابراین، ما هم آنان را به سبب اعمال ایشان مجازات می‌کنیم» (الأعراف/ ۹۶)، «و کسانی که از این‌ها ظلم کردند، به‌زودی، بدی‌های اعمالی که انجام داده‌اند، آن‌ها را خواهد گرفت و هرگز نمی‌توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند» (الزمر/۵۱).

۲-۳) اقتباس همراه با تغییر قسمتی از عبارات اقتباس شده

در ۱۳ مورد از اقتباس‌های قرآنی در خطبه‌های حضرت زهرا^(س)، قسمتی از آیات اقتباس شده، همراه با تغییری در ساختار جملات و کلمات و نیز تغییر صرفی و نحوی بوده‌است. چند نمونه از این موارد به شرح زیر می‌باشد:

حضرت زهرا^(س) اوایل خطبه فدکیه، بعد از حمد و ثنای الهی به معرفی خودش به عنوان دختر پیامبر^(ص) می‌پردازد و در این میان، به اوصاف پیامبر^(ص) نیز اشاره می‌کند. در یک فراز از آن، در وصف پیامبر^(ص) آمده‌است: «دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۰۰).

این عبارت اقتباسی از آیه ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (النحل/ ۱۲۵) می‌باشد. حضرت زهرا^(س) در این فراز به جای فعل امر «ادْعُ» که در آیه آمده، اسم فاعل «داعی» را ذکر می‌کند و به جای «رَبِّكَ» که در آیه آمده‌است، «رَبِّه» آورده‌است. حضرت زهرا^(س) با این تغییر در آیه می‌خواهد به حاضران در مسجد بفهماند که پیامبر^(ص) در انجام وظایف خود کوتاهی نکرده‌است و هر دستوری را که خداوند به او داده، به تمام و کمال انجام داده‌است.

در مورد دیگر، حضرت زهرا^(س) او آخر خطبه فدک در جواب خلیفه اول، رو به مردم کرده، می فرماید: «مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَيْلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد / ۲۴) كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» (همان: ۱۰۶)؛ یعنی: «ای گروه مسلمانان که به سوی قول باطل شتافتید و در برابر کار زشت و زیانبار خاموش شدید، «آیا در قرآن تدبیر نمی کنید یا بر دل های تان قفل زده شده است». هرگز! بلکه اعمال زشتتان بر دل های تان زنگار زده است».

در این فراز از خطبه فدکیه، جمله «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ»، اقتباسی است از آیه ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (المطففين / ۱۴).

در جمله اقتباس شده به جای «قلوبهم» که در آیه آمده، «قلوبکم» به کار رفته است که مرجع ضمیر «کم» افراد حاضر در مسجد هستند که حضرت زهرا^(س) آن ها را مخاطب ساخته است. همچنین، در این جمله، حضرت زهرا^(س) به جای عبارت «مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» که در آیه آمده، عبارت «مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» آورده است.

همچنین، در مورد دیگر، حضرت زهرا^(س) آخر خطبه فدکیه، در صحبتی که با حضرت علی^(ع) راجع به عدم اقدام ایشان برای گرفتن خلافت دارند، در آخرین جمله خطبه می فرماید: «فَقَالَتْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^۱. این فراز از خطبه، اقتباسی است از قسمت آخر آیه است: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران / ۱۷۳). در این فراز، حضرت زهرا^(س) به جای «حسبنا» که در آیه آمده، «حسبی» را آورده است.

۳-۳) اقتباس همراه با تغییر کامل عبارت اقتباس شده

در ۱۵ مورد از اقتباس هایی که در خطبه های حضرت زهرا^(س) صورت گرفته، آیه اقتباس شده در آن ها به طور کامل دچار تغییر شده است؛ برای نمونه، چند مورد از این گونه اقتباس ذکر می شود:

حضرت زهرا^(س) ابتدای خطبه فدکیه، به حمد و ثنای الهی می‌پردازد و خداوند را برای نعمت‌هایش شکر می‌کند. در قسمتی از این جملات، در وصف نعمت‌های الهی می‌فرماید: «جَمَّ عَنِ الْأَحْصَاءِ عَدَدُهَا» (طبرسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱: ۹۸).

در کتب لغت آمده است: «جَمَّ الشَّيْءُ وَاسْتَجَمَ أَيُّ كَثُرَ» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق.، ج ۶: ۲۷) و «الْجَمُّ وَالْجَمَمُ: الْكَثِيرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۱۲: ۱۰۴). فیومی نیز همین معنا را برای «جَمَّ» ذکر کرده است (ر.ک؛ فیومی، ۱۴۱۴ق.، ج ۲: ۱۱۰).

با توجه به این مطلب، عبارت «جَمَّ عَنِ الْأَحْصَاءِ عَدَدُهَا» بدین معنی است که عدد نعمت‌های الهی فراتر از شمارش است. این عبارت، اقتباسی از آیه قرآن می‌باشد. خداوند در آیه ﴿وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَذَلُولٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم/۳۴) و نیز آیه ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (النحل/۱۸) به این مطلب اشاره کرده است که نعمت‌هایی الهی قابل احصاء نیستند. حضرت زهرا^(س) این مفهوم را در قالب دیگری از الفاظ و کلمات ریخته، در خطبه خود از آن بهره برده است.

حضرت زهرا^(س) در فراز دیگری از خطبه فدکیه، در وصف خداوند آورده است که «الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱: ۹۸)؛ یعنی: «رؤیت خداوند برای چشم‌ها، ممتنع می‌باشد». این فراز از خطبه فدکیه، اقتباسی از آیه ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام/۱۰۳) می‌باشد که حضرت زهرا^(س) مفهوم عدم رؤیت خداوند را در قالب کلمات و واژه‌های دیگر ریخته، در بیان خود از آن استفاده کرده است.

در فراز دیگری از خطبه فدکیه، حضرت زهرا^(س) می‌فرماید: «وَنُدَبْتُهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا» (طبرسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱: ۹۸).

در کتاب لغت آمده است: «نَدَبَ الْقَوْمَ إِلَى الْأَمْرِ يُنْدَبُهُمْ نَدْبًا؛ دَعَاهُمْ وَحَثَّهُمْ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۱: ۷۵۴) و «نَدَبَةٌ إِلَى الْأَمْرِ: إِذَا دَعَاهُ إِلَيْهِ» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق.، ج ۲: ۴۲۵). همچنین، گفته شده است: «نَدَبْتُ الْإِنْسَانَ لِأَمْرٍ: إِذَا دَعَوْتُهُ إِلَيْهِ» (همان، ج ۲: ۴۲۶)؛ «و نَدَبَةٌ لِأَمْرٍ

فَأْتَدَبْ؛ أَى دَعَاهُ لِأَمْرٍ فَأَجَابَ» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۷۰). از این جملات مشخص می‌شود که فعل «ندب» زمانی که با «الی» یا «لام» بیاید، به معنی فراخواندن و برانگیختن می‌باشد.

با توجه به این مطالب، عبارت حضرت زهرا^(س) بدین معنی است: «خداوند انسان را به طلب ازدیاد نعمت‌ها به وسیله شکر فرامی‌خواند». این عبارت حضرت زهرا^(س) اقتباسی است از آیه ﴿وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم/۷). حضرت زهرا^(س) این مفهوم را که اگر انسان، شاکر نعمت‌های الهی باشد، خداوند نعمت‌های او را فراوان می‌کند، در قالب واژگان و کلمات تازه‌ای در کلام خودشان استعمال کرده‌اند.

۴- اقتباس‌های قرآنی حضرت زهرا^(س) و کارکرد آن در تفسیر قرآن

از اقتباس به عنوان یکی از محسنات علم بدیع یاد شده است (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۲۳ق: ۲۳۸) و از همین رو، می‌توان گفت که هدف اصلی در به کارگیری آیاتی از قرآن به عنوان اقتباس، برای غنابخشی به سخن می‌باشد و ظاهراً تنها کارکرد اقتباس، همین غنابخشی و اثر گذاری بر مخاطب است. اما نظر به جایگاه معصومان^(ع)، اقتباس‌هایی که ایشان از آیات قرآن در سخنانشان داشته‌اند، می‌توان از آن‌ها به عنوان منبع تفسیر نقلی یا تفسیر مأثور استفاده کرد و از این طریق، دامنه تفسیر نقلی را گسترش داد.

شیوه مفسران تفسیرهای روایی که از قرن اول اسلامی تاکنون رایج بوده، نوعاً این گونه است که ذیل هر آیه، اگر روایتی از معصومان^(ع) وجود دارد، آن را به عنوان تفسیر آیه ذکر می‌کنند، در حالی که اگر به اقتباس‌هایی که از آیات قرآن در خطبه‌ها، دعاها و دیگر سخنان رسیده از معصومان^(ع) صورت گرفته است، توجه شود، می‌بینیم که در بسیاری از این اقتباس‌ها، تفسیری از آیات اقتباس شده نیز صورت گرفته است. در ادامه، به چند نمونه اشاره می‌شود که در آیات اقتباس شده از سوی حضرت زهرا^(س)، تفسیری از آن آیات نیز صورت گرفته است.

الف) اوایل خطبه فدکیه، حضرت زهرا^(س) به فلسفه برخی از احکام الهی، مانند اینکه ایمان موجب پاکی از شرک، نماز موجب پاکی از کبر، زکات موجب پاکی نفس، رشد اموال و... می‌شود، اشاره می‌کنند و در پایان آن فراز، به عنوان نتیجه مباحث پیشین خود می‌فرماید:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۲) وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر / ۲۸) (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹۹).

در این فراز از خطبه فدکیه، تفسیر «حق تقاته» در آیه اول و تفسیر «العلماء» در آیه دوم بیان شده است. جمله «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ» در واقع، عطف تفسیری برای آیه ۱۰۲ آل عمران می‌باشد که از سوی حضرت زهرا^(س) اقتباس شده است. حضرت زهرا^(س) با بیان جمله «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ» فرموده‌اند که منظور از «حق تقوای الهی» این است که به دستورهای الهی عمل شود و به آنچه که دستور به انجام آن داده شده است، عمل شود و از آنچه که دستور به ترک آن داده شده است، ترک شود. در این فراز از خطبه، آیه ۲۸ سوره فاطر، به عنوان تعلیل جمله قبل آمده است و این را می‌فهماند که هر کس که به دستورهای خداوند عمل کند، به عنوان عالم شناخته می‌شود، هر چند این فرد تحصیلات مکتب و مدرسه‌ای نداشته باشد و در ظاهر، جزو افراد بی سواد و غیرعالم باشد.

برداشتی که از این فراز از خطبه حضرت زهرا^(س) صورت گرفت، در برخی از تفاسیر نیز آمده است، بدون اینکه این گونه استدلال شود (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۸-۲۷ و همان، ج ۱۸: ۲۴۷-۲۴۸).

ب) از جمله مواردی که در خطبه فدکیه، از آیات قرآن اقتباس شده، بسیار دقیق و به‌زیبایی نیز تفسیر شده است، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۳).

حضرت زهرا^(س) بعد از حمد و ثنای الهی و بیان فلسفه احکام، خطاب به حاضران در مسجد، خود را به عنوان دختر پیامبر^(ص) معرفی می‌فرماید و در ادامه آن، به ذکر اوصاف پیامبر^(ص) می‌پردازد. پس از ذکر این مسایل، به گذشته اعراب و حاضران در مسجد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ﴾ (آل عمران / ۱۰۳) مَذَقَةَ الشَّارِبِ وَ نَهْزَةَ

الطَّامِعِ وَقَبْسَةَ الْعَجَلَانِ وَمَوْطِئَ الْأَقْدَامِ تَشْرَبُونَ الطَّرْفَ وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّةَ أَدْلَةً خَاسِيْنَ ﴿تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ﴾ (الأنفال / ۲۶) مِنْ حَوْلِكُمْ فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ (ص) بَعْدَ اللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَبَعْدَ أَنْ مَنِيَ بِهِمُ الرَّجَالُ وَذُؤْيَانَ الْعَرَبِ وَمَرْدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ ﴿كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ﴾ أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرَتْ فَاعْرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ وَيُخَمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۰۰-۱۰۱).

در این فراز از خطبه فدکیه، عبارت ﴿وَ كُنْتُمْ عَلَيَّ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾ (آل عمران / ۱۰۳)، به زیبایی تفسیر شده است. حضرت زهرا (س) منظور از «شفا حفرة من النار» را چنین بیان می‌کند که «به سبب ضعف و ناتوانی شما، هر کس از راه می‌رسید، می‌توانست شما را نابود کند، همچون جرعه‌ای برای تشنه، لقمه‌ای برای خورنده، شکار هر درنده، لگدکوب هر رونده و پایمال هر رهگذری می‌شدید. از آب گندیده و ناگوار می‌نوشیدید و از پوست جانور و مردار سدّ جوع می‌کردید. پست و ناچیز بودید و از هجوم همسایه و همجوار در هراس» (مجلسی، ۱۳۷۹: ۸۲۹).

در ادامه، حضرت زهرا (س) به تفسیر عبارت «فَأَنْقَذَكُمُ مِنْهَا» می‌پردازند که به صورت مجمل و کلی بیان شده است و می‌فرماید: «در چنین حالی، خداوند تبارک و تعالی، محمد (ص) پیام‌آور خود را به سوی شما گسیل داشت. او پس از آن همه رنج‌ها که دید و سختی‌ها که کشید، شما را از ذلت و خواری رهایی بخشید. رزم‌آوران ماجراجو، سرکشان درنده‌خو، جهودان دین‌به دنیا فروش و ترسایان دور از حق از هر سو به او تاختند و با او به مخالفت برخاستند، "چون هر زمان آتش اخگر به هیزم و هیمة فتنه افکندند، خداوند آن را خاموش ساخت" و هرگاه شاخ شیطان نمایان می‌گشت و یا مشرکی دهان به یاوه‌گویی می‌گشود، او برادرش علی (ع) را در کام آن می‌افکند. علی (ع) هم در مقابل، تا آن زمان که بر مغز و سر مخالفان نمی‌کوبید و بینی آن‌ها را به خاک مذلت نمی‌مالید، ترک امر نمی‌نمود» (همان: ۸۲۹).

ج) در برخی موارد، اقتباس از آیات قرآن به گونه‌ای انجام شده است که به یکی از کامل‌ترین مصادیق آیه اقتباس شده اشاره می‌کند. حضرت زهرا (س) در بیان اوصاف حضرت

علی^(ع) در خطبه فدک می‌فرماید: «لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۰۱)؛ یعنی: «حضرت علی^(ع) کسی بود که در راه خداوند، به سرزنش ملامتگران توجهی نداشت».

این فراز از خطبه فدک، اقتباسی از آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (المائدة/۵۴) می‌باشد که حضرت علی^(ع) به عنوان یکی از مصادیق آن بیان شده‌است.

۵) حضرت زهرا^(س) در خطبه فدک، بعد از بیان اوصاف قرآن، خطاب به حاضران در مسجد می‌فرماید: «وَقَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ أَرَعَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ أَمَّ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۰۱)؛ یعنی: «شما قرآن و احکام آن را نادیده گرفتید و آن را پشت گوش انداختید، آیا از قرآن روگردان می‌شوید یا به غیر آن حکم می‌کنید».

در این فراز از خطبه حضرت زهرا^(س) عبارت «وَقَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ» اقتباسی از آیات ﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانْتَهُمْ لَا يَتْلَمُونَ﴾ (البقره/۱۰۱)، ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئِسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ (آل عمران/۱۸۷).

حضرت زهرا^(س) با عبارت «أَمَّ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ» مفهوم عبارت «نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» و «فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» را بیان کرده‌است.

۶) در خطبه فدک، بعد از بیان مطالبی به خلیفه اول، حضرت زهرا^(س) خطاب به حاضران در مسجد می‌فرماید: «شما به سرعت به دنبال باطل رفتید! آیا در قرآن تدبر نمی‌کنید؟!». در ادامه نیز این جمله را بیان می‌کنند: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۰۶). این عبارت اقتباسی از آیه ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (المطففين/۱۴) می‌باشد. حضرت زهرا^(س) عبارت «مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» را به معنای «آنچه که

به دست می آورید» که در آیه به صورت مجمل و کلی آمده است، با عبارت «مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» به معنای «آنچه که از اعمال زشت و سوء انجام می دادید»، تفسیر کرده است.

و) حضرت زهرا^(س) در خطبه ای که در جمع زنان مهاجر و انصار عیادت کننده از او هنگام بیماری ایراد فرمودند، بیان می کنند: «چرا مردان شما از حضرت علی^(ع) خرسند نیستند؟». سپس حضرت زهرا^(س) به بیان اوصاف حضرت علی^(ع) مانند زهد، تقوا، شجاعت و... می پردازند. در پایان این فراز از خطبه، حضرت زهرا^(س) آیه ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (الأعراف / ۹۶) را اقتباس می کنند.

با توجه به سیاقی که این آیه در آن اقتباس شده است، می توان گفت که یکی از نمونه های بارز ایمان و تقوا داشتن، انتخاب رهبری شایسته برای یک جامعه می باشد و صرف اینکه مردم مؤمن و متقی باشند، ولی رهبر فاسد و فاسق باشد، برکات الهی برای اهل آن شهر نازل نمی شود.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده، نتایج زیر حاصل می شود:

- ۱- در دو خطبه حضرت زهرا^(س)، ۵۶ مورد اقتباس از آیات قرآن صورت گرفته است.
- ۲- علاوه بر جنبه ادبی اقتباس های قرآنی معصومان^(ع)، می توان از آن اقتباس ها در توسعه دامنه «تفسیر روایی» نیز کمک گرفت.

۳- در اقتباس هایی که حضرت زهرا^(س) از آیات قرآن انجام داده اند، در برخی، آیات قرآن بدون تغییر اقتباس شده است. در برخی موارد دیگر، قسمتی از آیات اقتباس شده از لحاظ ساختار صرفی، نحوی و واژگان، دچار تغییر شده است و در موارد دیگری نیز آیه اقتباس شده به طور کامل دچار تغییر شده، عبارات و الفاظ آیه کاملاً با عبارات و الفاظ دیگر بیان شده است.

۴- از آنجا که خطبه‌ها و دعاهایی که از معصومان^(ع) به دست ما رسیده، متن و سند صحیح‌تری نسبت به سایر روایات تفسیری دارند، یافتن اقتباس‌های قرآنی در این گونه موارد، منبع قابل اعتمادتری برای تفسیر قرآن می‌باشد.

۵- حضرت زهرا^(س) در خطبه‌هایشان، آیاتی از قرآن را اقتباس کرده، به تفسیر آن‌ها پرداخته‌است. این تفسیر از آیات اقتباس‌شده، با توجه به سیاقی که آیات اقتباس‌شده در آن قرار گرفته‌اند، به دست می‌آید. در برخی موارد نیز آیه به گونه‌ای اقتباس شده که در آن به یکی از مصادیق آیه اشاره شده‌است. گاهی نیز قسمتی از آیات اقتباس‌شده که به صورت مجمل و کلی در قرآن بیان شده، در اقتباس‌های حضرت زهرا^(س) با تغییری که در قسمت مجمل و کلی آن آیه داده‌اند، در واقع، آن را تفسیر کرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- لازم به ذکر است که دو تقسیم‌بندی اول و دوم مربوط به علمای قرن نهم هجری می‌باشد و از آن قرن تا دوران معاصر، تقسیم‌بندی دیگری برای اقتباس در کتب بلاغت و علوم قرآن صورت نگرفته‌است و تنها مطلبی که در دوران معاصر در باب اقسام اقتباس آمده، تقسیمی است که در مقاله «اقتباس‌های قرآنی در نهج‌البلاغه» آمده‌است.

۲- در احتجاج طبرسی عبارت «وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» نیامده‌است، ولی در امالی شیخ طوسی آمده‌است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۸۴).

منابع و مأخذ

ابن اثیر، مبارک‌بن محمد. (۱۳۹۹ق.). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. ج ۴. تحقیق طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی. بیروت: المكتبة العلمية.

ابن حجر حموی، تقی‌الدین ابوبکر. (۲۰۰۴م.). *خزانة الأدب و غایة الأرب*. ج ۲. تحقیق عصایم شقیو. بیروت: دار البحار.

- ابن دريد، ابوبكر محمد بن الحسن. (۱۹۸۷م). *جمهرة اللغة*. ج ۱. تحقيق رمزي منير بعلبكي. ط ۱. بيروت: دار العلم للملايين.
- ابن فارس، احمد بن زكريا. (۱۳۹۹ق.). *معجم مقاييس اللغة*. ج ۵. تحقيق عبدالسلام محمد هارون. بي جا: دار الفكر.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. ج ۱ و ۱۲. تحقيق و تصحيح جمال الدين مير دامادي. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- احمد نكري، قاضي عبدالنبي بن عبدالرسول. (۱۴۲۱ق.). *دستور العلماء؛ جامع العلوم في اصطلاحات الفنون*. ترجمه از فارسي به عربي از حسن هاني فحص. ط ۱. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ايازي، سيد محمد علي. (۱۳۸۱). *قرآن اثري جاويدان*. رشت: كتاب ميبين.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملك بن محمد. (۱۳۸۶). *اقتباس از قرآن كريم*. ترجمه حسين صابري. ج ۱. تهران: شركت انتشارات علمي و فرهنگي.
- جرجاني، علي بن محمد. (۱۴۰۳ق.). *كتاب التعريفات*. ط ۱. بيروت: دار الكتب العلمية.
- جوهری، أبونصر إسماعيل بن حماد. (۱۴۰۷ق.). *الصاحح تاج اللغة و صحاح العربية*. ج ۳. تحقيق أحمد عبدالغفور عطار. ط ۴. بيروت: دار العلم للملايين.
- حسيني زيدي، محمد مرتضى. (۱۴۱۴ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. ج ۲. تحقيق و تصحيح علي هلالی و سيري. بيروت: دارالفكر.
- زمخشري، محمود بن عمرو. (۱۴۱۹ق.). *اساس البلاغة*. تحقيق محمد باسل و عيون السود. ط ۱. بيروت: دار الكتب العلمية.
- سيوطي، جلال الدين. (۱۴۲۴ق.). *معجم مقاليد العلوم في الحدود والرسوم*. تحقيق أ. د محمد إبراهيم عبادة. ط ۱. قاهره: مكتبة الآداب.
- سيوطي، جلال الدين. (۱۴۲۱ق.). *الإتقان في علوم القرآن*. ج ۱. چ ۲. بيروت: دار الكتاب العربي.

- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق.). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. ج ۱. تحقیق و تصحیح محمدباقر خراسان. چ ۱. مشهد: نشر مرتضی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. ج ۲. تحقیق و تصحیح حسینی اشکوری و احمد مرتضوی. چ ۳. تهران: بی‌نا.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. چ ۱. قم: دار الثقافة.
- عباس زاده، حمید. (۱۳۸۹). «اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه». *فصلنامه مطالعات تفسیری*. س ۱. ش ۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *کتاب العین*. ج ۵ و ۶. چ ۲. قم: نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق.). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. ج ۲. چ ۲. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قلقشندی، احمد بن علی. (بی‌تا). *صبح الأعمش فی صناعة الإنشاء*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۹). *زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه بحار الأنوار)*. ترجمه محمد روحانی علی‌آبادی. چ ۱. تهران: انتشارات مه‌م.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۳ق.). *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*. چ ۱. قم: مؤسسه التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۳ و ۱۸. چ ۱. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- میدانی دمشقی، عبدالرحمن بن حسن حَبَنکَة. (۱۴۱۶ق.). *البلاغة العربیة*. ج ۲. ط ۱. بیروت: دار القلم.